

نگاهی به زندگی و تلاشهای دینی و اصلاحی عالم فرزانه ملا عبدالهادی افخم زاده

یادی از نیم قرن تلاش احیاگرانه اسلامی در کردستان ایران

کتابخانه خادیم العلماء

دسته چهارم: علمای متنفذ، یعنی کسانی که در زمره علماء و مدرسین به حساب آمده‌اند ولی به علت موقعیت خانوادگی و داشتن اموال و استقلال اقتصادی دارای پایگاه اجتماعی خاصی بوده و در سیر تحولات اجتماعی و سیاسی دارای نقشی ویژه بوده‌اند. این گروه افراد قلیلی در هر دوره بوده‌اند و از نظر رسانیدن سود و زیان به مردم دارای نقش دوجانبه بوده‌اند.

دسته پنجم: ادبا، این گروه را از آن جهت جزو رجال دینی می‌آوریم چون تا شهریور ۱۳۲۰ و سقوط رضاشاه تقریباً همه ادبای کرد از رجال مذهبی بوده‌اند ولی اشتهارشان به سبب شعر و شاعری می‌باشد اگر چه در آثارشان مضامین ادبی صرف و مقولات عشقی و مدح و ثنا و هجو هم به چشم می‌خورد.

طلایه‌داران اصلاح:

در مروری که به طیف رجال مذهبی کردستان داشتیم جایگاه طیفی از علمای سترگ که امروزه در کتابهای تاریخ و رجال به عنوان مصلح، مجدد، احیاگر و بیدارگر از آنان یاد می‌شود تا حدی خالی است. در کردستان به علت تلاشهای دشمنان دین و بشریت و همچنین بسته بودن محیط فرهنگی، پدیده احیاگری و بازگشت به قرآن و رویکرد اصلاحی بسیار ضعیف بوده است و ما شاهد یک دوره فترت و رکود فرهنگی به مدت بیش از نیم قرن هستیم.

اینک به ذکر چند چهره از رجال مذهبی قرن اخیر که قیل از استاد ملا هادی افخم زاده جرقه‌های اصلاح را زده‌اند و در حقیقت طلایه‌داران اصلاح دینی در کردستان بوده‌اند خواهیم پرداخت:
 ۱- ملا سید حسین مصطفوی (باغلوچه‌ای): عالم جسور و غیر تمند و مستقل‌الفکر که توسط متنفذین محلی منزوی و مورد اتهام قرار گرفت و ایشان یک چندی استاد مرحوم ملا هادی بوده است و در دهه بیست (۱۳۲۲ ه. ش) فوت کرده است.

۲- ملا محمد قزلجی (متوفای ۱۳۲۸ ه. ش) که همراه برادرش استاد احمد ترجانی زاده در شهر مهاباد به یک سلسله اصلاحات دست زدند از قبیل: تغییر برنامه درسی طلاب به مقتضای زمان، تلاش در

عصر روز سه‌شنبه سیزدهم مهرماه سال ۱۳۲۲ ملا عبدالهادی افخم زاده چهره سرشناس بیدارگری اسلامی در منطقه کردستان پس از پشت سر گذاشتن یک دوره ممتد بیماری در سن ۸۶ سالگی چشم از جهان خاکی فرو بست و به کنف حمایت الهی بار یافت. جهت آشنایی خوانندگان عزیز با جریان تکاملی تفکر دینی در این خطه از میهن عزیزمان به شناسایی حلقه‌ای مهم از این سلسله نورانی می‌پردازیم.

در دامن فرهنگ اسلامی، همواره علماء و عرفا و ادبا و امرائی نامور و خدمتگزار در کردستان نشو و نما کرده و بالیده‌اند و هر کدام در جای خود خوش درخشیده‌اند و آثار خدمات خود را بر صفحات دفاتر و لوح خاطر دوستان علم و فضیلت و یاد قالب ابنیه خیریه یا مذهبی و به طور خلاصه به صورت فرهنگ مادی و معنوی به یادگار گذاشته‌اند. جزاهم الله خیر الجزاء عن الاسلام.

در مطلع بحث صرف نظر از جزئیات به یک تقسیم‌بندی کلی از رجال مذهبی می‌پردازیم. تا سرآغاز قرن جدید شمسی و به طور کمرنگ‌تر در دهه‌های بعد هم کلیه رجال مذهبی کردستان را در شکل سنتی آن به طور کلی می‌توان به پنج دسته تقسیم کرد:

دسته نخست: علماء یعنی مدرسین علوم قدیمی که کار مهم آنان حفظ میراث علمی و انتقال آن از نسلی به نسل دیگر بوده و می‌باشد؛ تعداد این گروه در میان کل رجال مذهبی از اکثریت برخوردار بوده است.

دسته دوم: مشایخ طریقت‌ها، این دسته از بانفوذترین دستجات مذهبی در کردستان بوده که حاکمیت مذهبی و معنوی داشته‌اند و از قریب دویست سال پیش در کردستان ظهوری چشمگیر تر یافته‌اند و در دو نحله «نقشبندی» و «قادری» به آداب معموله طریقت اشتغال داشته‌اند.

دسته سوم: زهاد و عرفای مستقل، یعنی کسانی که زهد و تقوا و عشق روحانی‌شان بر مسند علمی و تدریس و نفوذ امرشان غلبه داشته است. محبوب مردم بوده‌اند و پیام‌های معنوی و اخلاقی‌شان جاذبه‌ای همانند موşkافیهای عالمان و ابهت مرشدان داشته است.

راه تأسیس مدارس جدید، انتشار روزنامه کردی و... سرانجام ملا محمد به علت اختناق دوره رضاخان و حسادت عده‌ای به کشور عراق تبعید و در آنجا به مقامات مهمی دست یافت. ایشان همراه با عالم مجاهد عراقی شیخ امجد الزهاوی جمعیت الهدایة الاسلامیه را تشکیل دادند. مرحوم قزلیجی استاد مرحوم افخم زاده و از مهمترین شخصیت‌های تأثیرگذار بر وی بوده است.

۳- ملا عبدالحمید عبقری (متوفای سال ۱۳۲۱ ه. ش.) از علمای روشنفکر و متقی بوده و از وی به بلندی فکر و کمال اخلاق یاد شده است در روستای ترجان در منطقه شهرستان بوکان مقیم بوده و از خوانندگان و مطالعه‌کنندگان نشریات جدید بوده است و با استاد افخم زاده مکاتباتی داشته است و در سن جوانی فوت نموده است.

۴- ملا احمد فوزی (متوفای ۱۳۲۳ ه. ش.) عالمی منور الفکر که از کردستان عراق به ایران آمده است. ایشان در عرصه ادبیات توانا و در شعر و ادب فارسی و کردی صاحب نظر بوده اند از خوانندگان کتابهای اجتماعی و سیاسی معاصر و از آورندگان اندیشه نوگرایی بوده است. «همین» شاعر مشهور کرد در مقدمه دیوان شعری «تاریک و رون» وی را ستوده است. سیدمحمدامین برزنجی (خاله مین) وی را بر قزلیجیها تأثیرگذار دانسته است.

۵- ملا حسن دزلی (متوفای سال ۱۳۶۵ ه. ق.) عالمی برجسته از کوره‌ده‌های اورامانات، صریح‌اللهجه، زاهد، ادیب و خوش سخن. یک چندی را در مصر زیسته است، اشعار انتقادی و طنزآمیز و خاطره‌های ماندنی و آثار قلمی اندکی از وی به جا مانده است و اخیراً توسط آقای احمد نذیری در کتابی گرد آمده اند.

این شخصیتها که ذکر آنان گذشت به حقیقت خادم علم و دین و گام گذار طریق اصلاح و تجدید بوده اند ولی به هر حال مجال آن را نداشته اند تا تأثیر ژرفی بر جای گذارند. به علاوه افکار اصلاحی آنان در ابعاد کوچک و محدود بوده است و حقیقتاً باید اعتراف کرد که از حیث تأثیر در جامعه و استقامت در راه نشر اندیشه‌های اصلاح‌گرایانه و ابراز آراء مستدل و در عین حال غریب و نو ظهور و پایه‌ریزی تفکر دینی صحیح و به اهتزاز در آوردن پرچم قرآن و سنت در منطقه خود هیچ کدام همچون استاد بزرگ و مصلح سترگ ملا عبدالهادی افخم زاده مشهور به «ملا هادی سرا» موفق نگردیده اند و بالاخره نام آن فرزانه قرین دعوت قرآنی و زدودن غبار خرافات از چهره پاک دین گردیده است. این افکار توحیدی و قرآنی تا زمان

ظهور مدارس قرآن در سنندج و پاوه و مریوان همچنان نقش پیشتاز را داشتند ولی با شروع حرکات مذکور و آغاز انقلاب اسلامی فصلی جدید از تاریخ تحولات فکری دینی در کردستان گشوده شد و گامهای اصلاحی بلندتری برداشته شد. حرکت جمعی روشنفکران مبتنی بر دین در میان تحصیل کردگان جدید و روحانیون آگاه شروع شد که هم اکنون هم حضور دارد و به امید خداوند منشأ خدمات بزرگتری می شود و ان شاء الله «توتی اکلها کل حین باذن ربهم» ولی باز هم نباید از فضیلت تقدم اقدامات اصلاحی و روشنفکرانه استاد افخم زاده در آوردن قرآن به صحنه و سعی و تلاش در جهت همگانی کردن معارف دینی غافل بود.

نگاهی به حوادث حیات و سیر زندگی و تحصیلات:

استاد علامه ملا عبدالهادی افخم زاده شخصیتی است که حدود نیم قرن پیش در طرح بسیاری از مسائل اسلامی نقش پیشاهنگ و پیشتاز را داشته است. اکنون به شرحی اجمالی از حیات پرافتخار آن بزرگوار و معرفی آراء و آثار و شخصیت ایمانی ایشان می پردازیم:

در سالهای قبل از جنگ جهانی اول یعنی سال ۱۳۲۸ هجری قمری مطابق ۱۲۸۷ شمسی جناب ملا هادی در میان خانواده‌ای متدین و باهوش پا به عرصه وجود می گذارد. دوران کودکی ایشان با حوادث جنگ جهانی اول و تبعات ویرانگر آن که به صورت قحطی نمودار گردیده، مصادف بوده است. تحصیلات طلبگی را علی‌رغم اکراه خانواده شروع می کند و خود ایشان، این شعر را وصف الحال آن دوران خود ذکر کرده است: «خدا کشتی آنجا که خواهد برد/وگر ناخدا جامه بر تن دردد.» تحصیلات ایشان زمانی وارد مرحله جدی و سرنوشت ساز می شود که به عنوان طلبه در محضر برادران قزلیجی «ملا محمد» و «ملا احمد» در مهاباد حضور می یابد. ناملايمات روزگار و استبداد زمانه مدرسه قزلیجی‌ها را از هم می پاشد و استاد قزلیجی آواره و راهی عراق می شود، طلبه جوان و هوشیار ما هم راهی شهرها و روستاهای کردستان می شود و در این دوران است که روحیه انتقادی در وی پدیدار می شود. ایشان خود درباره سالهای تحصیلی و اساتید و مواد درسی در خاطراتش به موجزترین شکل چنین نوشته است:

«مدت طلبگی قریب هشت سال از آغاز سال ۱۳۴۳ قمری تا پایان سال ۱۳۵۲ که دو سال آن در میان خانواده و بقیه در دوازده مدرسه علوم دینی در دو کشور ایران و عراق (در

✓ استاد

علامه ملا

عبدالهادی

افخم زاده

شخصیتی است

که حدود نیم

قرن پیش در

طرح بسیاری

از مسائل

اسلامی نقش

پیشاهنگ و

پشتتاز را

داشته است.

سه شهر و دو قصبه و شش قریه و روستا) نزد شانزده نفر استاد در چند رشته علوم در ۲۳ کتاب عربی مختصر و مفصل که از این مدت، پنج سال آن مشغول تحصیل و کسب علم و بقیه در مسافرت و بیماری و بی درسی گذشته است. استادانم ده نفرشان مدرس و شش نفر طلبه در سطح عالی «مستعد» بوده و نیز سه چهار نفر استاد داشته ام که چند درسی در خدمت آنان بوده ام از اینرو ایشان را به حساب نیاورده ام از جمله ملا حسین مجدی».

استادان ایشان اعم از استاد مدرس و یا طلبه در دست نوشته خاطراتش چنین ذکر گردیده اند: شیخ محمد محسن قاضی مکرری، ملا سیدحسین طاهر بوغهای (باغلو جه ای)، ملا محمد ایوبی، طلبه ملا سیدحسین، ملا وهاب، ملا احمد ترجانی زاده، ملا محمد پشدری در مسجد سیدنظام مهاباد، ملا سیدعلی، ملا سید علاءالدین حسینی، باوه ملا در روستای قلندر، قاضی شریف حنفی در اشنویه، ملا عصام الدین شفیعی، ملا عبدالحمید در کرکوک و استاد ملا محمد قزلجی در بغداد.

طلبه جوان و پرشور روح سرکشش آرام نمی گیرد. شوق رفتن به عراق و دیدار مجدد با استاد قزلجی او را به آن دیار می کشاند. اقامت در عراق و تلمذ در خدمت استاد قزلجی و همچنین گردش و تفحص و مطالعات مداوم و طولانی در کتابخانه های عراق، کار در چاپخانه و مطالعه مجلات و روزنامه ها در شهر بغداد و آشنایی و دیدار با شیخ امجد الزهاوی نوه مفتی الزهاوی از دوستان و همفکران قزلجی سبب نضح و پختگی افکار اصلاحی در وی می شود. اگر چه در آن دوران افراد روشنفکر گرد به طرف افکار ناسیونالیستی گرایش داشتند ولی احساسات ملی او تحت الشعاع داعیه دینی اش قرار می گیرد. در مقاله ای در بغداد به خالی شدن حجره ها از طلاب و انتقاد از وضعیت دروس دینی می پردازد و می خواهد آن را به روزنامه ها بفرستد ولی استادش مانع از این کار می شود. از اقدامات دیگری در آن زمان تشویق استاد قزلجی به نوشتن مطالبی در روزنامه ها بر علیه یکی از خلیفه های میرزا غلام احمد قادیانی (از مدعیان دروغین نبوت) که به کشور عراق رفته بود، می باشد.

استاد بزرگوار ما در اوج شکوفایی علمی که هنوز رضاخان بر تخت سلطنت بوده و آداب و رسوم ملی و مذهبی کردها سخت در معرض مخاطره بوده است به ایران بر می گردد و مدتی را در اسارت رکن دوم هنگ مهاباد می گذارند و چند سالی را تا شهریور ۱۳۲۰ به سربازی و تشکیل خانواده و گاهی تدریس سپری می کند و مراتب

فضل و کمال او بر همگان آشکار می شود و در مهاباد در جلسه امتحان طلاب با قرائت مقاله ای به دوزبان عربی و فارسی، هیئت ممتحنین را شگفت زده می کند. پس از تبعید کلیه افراد خانواده توسط دولت رضاشاه، به دستور حکومت مجبور به استخدام می گردد. بعد از قضایای شهریور ۲۰ و به دعوت مالک کریم النفس روستای سرا رهسپار آنجا می شود. گرچه روابطش با مرحوم پیشوا قاضی محمد خوب بوده است و با شاعر ملی آن دوران سید محمدامین برزنجی مشهور به «خاله مین» دوست صمیمی بوده و همچنین با دیگر روشنفکران و سران ملی از قبیل استاد عبدالرحمن شرفکندی «هه ژار»، حسین حزنئی و استاد قانع شاعر ملی ملاقاتهای رضایت بخشی داشته است ولی به علت مبارزه اش با کمونیستهای نفوذی در جمهوریت مهاباد و غارتگریهای برخی عشایر از روستای سرا تبعید می گردد. بازگشت به روستای سرا و اقامت دائم در آن روستا به مدت بیش از بیست سال پربارترین دوران حیات استاد است. اهمیت این مقطع زمانی در این است که جریان فکری احیاءگری اسلامی در منطقه کردستان در صحنه ظاهر می شود. از نظر موقعیت جغرافیایی روستای سرا تقریباً در وسط مناطق کردنشین واقع است و از همین نقطه و مرکز شعاع تبلیغات قرآنی و نسیم بیداری اسلامی به شمال و جنوب کردستان پرتوافکنی کرده است. شهرت ملا هادی به اقصی نقاط کردستان می رسد در این مدت شاگردان بسیاری را تربیت می کند و تألیفات سودمندی را به رشته تحریر در می آورد و تحسین و تنقیدهایی را بر می انگیزد. بتدریج فکر دینی ایشان تأثیراتی بر جای گذاشته و راه رهروانی می یابد.

با وجود اینکه حرکت آن مرحوم بیشتر بعد فرهنگی داشته است و در سیاست عملی بی دخالت بوده است ولی به علت تنفر و انزجار از تقرب به دستگاه حکومت چندین بار از طرف ساواک مورد بازجویی قرار می گیرد، به ویژه هنگامی که کتاب رد بر مسیحیگری را بر علیه مبلغان مسیحی در غرب کشور نگاشته است و زمانی که رساله الاعلام و الارشاد را می نویسد و ساواک از آن مطلع می شود. چه قبل و چه بعد از اصلاحات ارضی بارها پیشنهاد امامت جمعه شهرهای سقزو مهاباد و یا تدریس در دانشگاه تبریز و تهران را رد می کند و اقامت و کار در روستای سرا را بر آن مناصب ترجیح می دهد. اقدامات نوآوری و بدعت شکنی و احیاءگری آن بزرگوار در این دوره از زندگانش چشمگیر است که در ادامه بحث خواهد آمد.

- ✓ **اقامت در عراق و تلمذ در خدمت استاد قزلجی و همچنین گردش و تفحص و مطالعات مداوم و طولانی در کتابخانه های عراق، کار در چاپخانه و مطالعه مجلات و روزنامه ها در شهر بغداد و آشنایی و دیدار با شیخ امجد الزهاوی نوه مفتی الزهاوی از دوستان و همفکران قزلجی سبب نضح و پختگی افکار اصلاحی در وی می شود.**

استاد سرانجام به دلایل مختلف از جمله بی‌علاقگی طلاب نسبت به تحصیل و فشار حکومت برای پذیرش سرپرستی خانه انصاف و مروج مذهبی از سوی ایشان در سال ۱۳۴۸ شمسی روستای سرا را به قصد شهر بوکان ترک می‌کند. هر چند به علت کهولت سن و فشار روحانیون درباری در بوکان، فعالیت‌های استاد کاهش می‌یابد ولی در این دوران علاوه بر مبارزات پیشین بر علیه جمود و تجحر جامعه مذهبی نسبت به هجوم افکار مادگیری و اخلاق غرب زدگی همچون بی‌حجابی و شرابخواری و مدگرایی و دیگر مفاسد رده آورد بورژوازی عنان گسیخته نیز بی تفاوت نبوده است. تامین معاش آن مفتی بزرگوار و علامه عالیقدر از راه کاسبی خرده فروشی، دستگاه فتوکی و بالاخره دفتر ازدواج صورت می‌گرفت. در طی دو سال اول سکونت در بوکان حدود شانزده کتاب ادبی، دینی و تاریخی در سطح مقاطع دانشگاهی را از عربی به فارسی ترجمه کردند. کلاسهای درس دینی و برنامه‌های تبلیغ عمومی ایشان از سوی جهال و روحانیون درباری تعطیل می‌شود. در همین دوران به زیارت بیت الله مشرف می‌شوند. همچنین بنیانگذاری مدرسه علوم دینی بوکان با همراهی و همکاری روحانی محبوب، ملا ابوبکر شفیعی، از باقیات الصالحات دوران اقامت در بوکان است.

شروع انقلاب باضعف بینایی و عدم توانایی در کارهای علمی و تحقیقی و ناتوانی جسمی و ناراحتیهای روحی مصادف بود و بالاخره وی در سال ۱۳۶۳ دچار سکته مغزی شد و توانایی تدریس و مطالعه را به طور کلی از دست داد. ولی تا جسم خاکی با او یارای همراهی داشت دمی نیاسود تا اینکه آن مرد تلاش و مبارزه و شجاعت و حقیقت‌جویی و نفوذناپذیری در سن ۸۶ سالگی در شهر بوکان در میان تجلیل و احترام همشهریان و دوستانش جان به جان آفرین تسلیم نمود و به حقیقت این عبارت در مورد ایشان مصداق پیدا کرد که «ان مثل العلماء فی الارض کمثل النجوم فی السماء». رحمه الله و حشره مع الاخیار الابرار.

نوآوری و بدعت شکنی:

احیاءگری و اصلاح در اسلام بار فرمیست در فرهنگ مغرب زمین تفاوت دارد. اصلاح مقابل افساد و مصلح در برابر مفسد است، چنانکه حدیث نبوی از غربای دین به «یصلحون ما افسده الناس» تعریف می‌کند و یاد قرآن از زبان یکی از پیامبران «ان آرید الاصلاح» آمده است. مصلح اسلامی چیزی نیست جز اینکه ترک شده‌ها و

ناشناخته‌ها را در دین خدا کشف و آشکار و معرفی می‌کند، بنابراین نوآور است و ساخته‌ها و بافته‌های بیگانه از اسلام را که از افکار بشری برخاسته است از اسلام می‌زداید، بنابراین بدعت شکن و پالایشگر است. مصلح عالی مقام حاج ملا عبدالهادی افخم زاده رحمه الله در هر دو زمینه فوق گامهای مؤثری برداشته‌اند.

اکنون به طور اجمال به اقدامات اصلاحی و تأثیرات فکری ایشان در جامعه می‌پردازیم:

۱- ایشان بر خلاف علمای بزرگوار کرد که در قرن اخیر کمتر به تصنیف و تألیف پرداخته‌اند ایشان از آغاز طلبگی تا از کار افتادگی مطلق حتی زمانی که دستهایش به شدت می‌لرزید باز از مطالعه و تحقیق و یادداشت برداری غافل نبودند.

۲- توجه به قشر جوان و حتی کودکان در فراگیری مسائل دینی در قالب کتاب و حتی شعر و سرود.

۳- ساده نویسی و ساده گویی و طرح و معرفی دین در قالبهای قابل فهم برای عموم اقشار جامعه.

۴- تغییر سیستم آموزشی طلاب و در پیش گرفتن راهی که به جای دانشمندان عربی دان، عالم اسلام شناس و قرآنی پرورش یابد. ارزش علوم غایی که فهم قرآن و سنت است برتر از علوم آلی (همچون صرف، نحو، بلاغت، منطق و فلسفه) باشد و علوم آلی هم اهمیت خود را داشته باشد.

۵- پایه ریزی برنامه منظم علمی و پرورشی برای طلاب و متعهد کردن آنان به اجرای برنامه‌هایی چون حفظ قرآن و حدیث رسول الله صلی الله علیه و سلم برای شرکت در نماز جماعت صبح.

۶- تغییر در اجازه نامه‌های پایان تحصیلات طلاب که از نظر توصیه به وظایف دینی و اجتماعی و اخلاقی از اجازه نامه‌های معمول پربارتر بوده است.

۷- بازداشتن روستاییان از امور بدعتی و ناپسند و غیر اخلاقی در مراسم عروسی و عزاداری و تفریحات ناسالم و جایگزین کردن برنامه‌های تفریحی سالم و ورزشهای محلی که خود نیز در آنها شرکت کرده است. به طور کلی به همه از افراد خانواده تا دیگران نسبت به انجام واجبات و اجتناب از محرمات جدی و سختگیر بوده است.

۸- معرفی چهره اصیل و حقیقی اسلام به دور از خرافات و تعصبات فرقه‌ای در تمام بیانات و نوشتجاتش.

۹- رواج خطبه نماز جمعه به زبان کردی برای اولین بار

مصلح اسلامی

چیزی نیست جز اینکه

ترك شده‌ها و ناشناخته‌ها را

در دین خدا

كشف و آشکار و معرفی می‌کند،

بنابراین نوآور است و ساخته‌ها

و بافته‌های بیگانه از اسلام

را که از افکار بشری برخاسته است از اسلام

می‌زداید،

بنابراین بدعت شکن و پالایشگر است.

در کردستان ایران با نثری مسجع و زیبا.

۱۰- احیای مراسم مولودی خوانی به نحوی که معرف مقام شامخ رسالت باشد و بیرون آوردن آن از حالت خشک و اشرافی و انگیزه بخشیدن برای تحرک و مبارزه با شرک و فساد به طوری که مولودنامه تهیه شده ایشان از بهترین مولودنامه های موجود است.

۱۱- سخن گفتن و نوشتن درباره عدالت اجتماعی و دموکراسی و حقوق مردم که این پدیده در نیم قرن پیش در محیط بسته و دور افتاده ای چون کردستان آن هم از زبان یک پیشوای مذهبی بی سابقه بوده است و نشانه ای از آگاهی و وسیع ایشان نسبت به مسائل روز جهانی بوده است و بیانگر روحیه حق طلبی و عدالتخواهی این شخصیت بزرگ اسلامی است.

۱۲- اقدام به بریدن و ریشه کنی درخت «ویله» در منطقه افشار کردستان که حالت تقدیس و پرستش به خود گرفته بود و مغایر با اصل توحید و از بقایای مذهب فیتیشیسم (جان گرایی) می باشد.

۱۳- توجه خاص به قشر زنان و تأسف بر بی خبری آنان، و نوشته های مخصوص برای این طبقه و اصلاح مسائل فراوانی در زمینه ازدواج و طلاق و ارث که در آنها حقوق بانوان تزیین شده بود و فتاوی ایشان به تبعیت از قرآن و سنت و در جهت حفظ قوام خانواده و کرامت انسانی مشهور است و همیشه مراجعین فراوانی برای استفتاء از کردستان ایران و عراق به خانه ایشان می آمدند و حتی در سالهای بیماری و اواخر عمر ایشان در نامه ای از سوی ملا عبدالکریم مدرس یکی از علماء برجسته کردستان عراق با توجه به تخصص ویژه ایشان در امر طلاق تقاضای ارسال رساله ای در این زمینه شده است.

۱۴- آگاهی وسیع نسبت به مذاهب مختلف اسلامی و حتی نحله های انحرافی همچون بهاییگری و مسیحیگری و کسروی گری.

افکار و عقاید:

اجمالاً می توان گفت که از آغاز حیات معنوی ایشان، عظمت اسلام و قرآن وی را مبهوت و خیره ساخته بود و با وجود اینکه در برچیدن آرایش و پیرایش در دین بی پروا بود ولی در چنگ اندازی و عمل به مسلمات دین استوار و انعطاف ناپذیر می نمود. قرآن را کتاب آسمانی و جهانی و جاودانی و روحانی می دانست و سبک کار ایشان در طرح مسائل اسلام به ویژه مسائل فقهی بدین صورت بود که ابتدا به آیات قرآن در رابطه با موضوع مورد نظر

می پرداخت پس به احادیث مربوط و سرانجام به بررسی آراء فقها روی می آورد. جمع بندی و انسجام مطالب توسط ایشان تحسین برانگیز است. مطالب بسیاری را در حجمی کم و به صورت رسایان داشته است. در مهمترین موضوعات قرآن شناسی و جلوه های با عظمت آن همچون شناخت روابط بین آیات تسلطی کامل داشته اند. تصنیفات و تألیفات ایشان بیشتر به سبک قدما است و همه مآخذ و مدارک را ذکر نمی کند مگر به ضرورت ولی نوشته هایشان واقعاً مستند هستند و در حقیقت رشحاتی است از معلومات دریاگونه که در واقع مشتی از خروار و کمی از بسیار است. با این وجود در پایان بیشتر نوشته هایشان خود را «خادم کوچک قرآن و حدیث» می نامند. در بررسیها تسلیم تحقیقات علمی بوده و نسبت به هیچ مذهب فقهی و مکتب کلامی و گرایش عقلانی و مشرب عرفانی تعصب نداشته اند؛ شعار همیشگی اش این بوده است: «کار من نیست که کس را به جدال / برسانم به خدای متعال» و «چرا با هم نباشیم یک دل و یک زبان / جهات وحدت ماست نبی و قبله و قرآن».

آنچه در نظر او مقدس بود فقط قرآن و حدیث و اجماع صحابه بود و مخالفت با این اصول را از هیچ کس نمی پذیرفت. هر چیزی را که بدستش می رسید مطالعه می کرد: کتب ادبی، سیاسی، اجتماعی، روزنامه ها، مجلات، انواع تفاسیر و انواع کتب دینی و در هر زمینه ای یادداشت برمی داشت و یا نقد می نوشت.

بعد از قرآن نسبت به احادیث معتبر رسول الله صلی الله علیه و سلم خاضع بودند و معتقد بودند که «احادیث از نظر متن بررسی نشده اند» و فقط از نظر سند مورد تحقیق بوده اند.

حقیقتاً ایشان فردی دانشمند و بی تعصب بودند. در عین احترام به پیشوایان سلف، قشریگرها و در آویختن بر فرعیات را نمی پسندند در رابطه با تصوف که از اهم انتقادات مخالفین به او می باشد وی را عقیده بر این بود که همه متصوفه را نباید به یک چشم نگاه کرد ای بسا اولیاء و صلحایی که از میان آنها برخاسته اند. وی تصوف را به سه قسمت: ۱- تصوف فلسفی: شامل آرای وحدت وجود و... ۲- تصوف عملی: شامل مراسم درویش و... ۳- تصوف اخلاقی: شامل تزکیه درون، تقسیم بندی می کند و تنها به گروه آخر به عنوان «المتهدون بالکتاب و السنة» به چشم حرمت می نگرد.

وی چون بسیاری دیگر از علماء اسلام به ویژه

✓ آنچه در نظر او مقدس بود فقط قرآن و حدیث و اجماع صحابه بود و مخالفت با این اصول را از هیچ کس نمی پذیرفت.

مصلحین بزرگ معاصر معتقد است که باب اجتهاد باز و بازگشت مستقیم به کتاب و سنت میسر است. جا دارد چکیده عقاید و افکار ایشان را به قلم خودشان در صفحه ۳۵۲ کتاب چهارصد گوهر حکمت بینیم:

«جز دین اسلام و قرآن مجید و روش درست و ثابت پیامبر خدا محمد المصطفی صلی الله علیه و سلم پیغمبر آخر زمان معتقد به هیچ دین و مذهب و آیین و مسلک و قانون و فلسفه ای نبوده و نیستم و در اسلام نیز نسبت به یک مذهب مخصوص تقلید و تعصب ندارم. بلکه یک نفر مسلمان پیرو قرآنم و اگر نیاز مندی دین من در قرآن پیدا نشد به اجتهادات و فتاوی مجتهدین و دانشمندان اسلامی رجوع می کنم و بدون فرق و تعصب هر مطلبی را که نزدیکتر به کتاب و سنت و طریقه صدر اول اسلام و سلف صالح تشخیص دهم می پذیرم و اعتقاد و اعتراف دارم که مطالب و مسائل بی شماری که از اسلام بیگانه و به هیچ وجه ارتباطی با دین اسلام ندارد، به نام اعتقاد یا مذهب و یا تصوف و یا عناوین دیگر به آئین پاک اسلام چسبانده و مخلوط کرده اند و دشمنان اسلام به دروغ و افترا از قول علماء بزرگ اسلام کفرها و زندقه ها و بدعتهای فراوانی را در کتب اسلامی وارد نموده اند..... هر کس به این نوشته آگاه گردد او را نیز به ایمان و اعتقاد و مسلک خود شاهد قرار می دهم که در دنیا و آخرت گواه صدق و شاهد عدل نگارنده باشد.»

منش و شخصیت:

ویژگیهای شخصیتی و اخلاقی از مهمترین خصوصیات یک دعوتگر دینی و مصلح اجتماعی است. در آثار و تالیفات استاد هم به این امر توجه شده است. برای نمونه در کتاب مولودنامه اش آنجا که شخصیت رسول الله صلی الله علیه و سلم را به زبان کردی ترسیم می کند که در واقع در شخصیتهای متبع سنت شمائی از آن در حد خودشان وجود دارد، می فرماید: «کسی به آن مقام می رسد که دنیا و مافیها را در زیر پای همت خود قرار دهد و از سر حد طبیعت به ذرّوه حقیقت برسد آنگاه از مقام قرب و وصال نزول کند و گرفتاران ماده و طبیعت را که چون مورچه و پشه در دام عنکبوت طبیعت افتاده اند و راه خلاصی ندارند، نجات دهد.» یا آنجا که می گوید: «گفته هر کس تأثیربخش نیست. از سیر عطر به دست نمی آید و از قیر شکر حاصل نمی شود. کسی که به گفته خودش ایمان نداشته باشد برای غیر چگونه ایمان بخش می شود. کسی که صاحب چیزی نباشد نمی تواند آن را

بخشد. کور، عصاکش کوران دیگر نمی شود و گرگ را چوپانی نشاید.»

ایشان انسان کامل و ولی و مصلح حقیقی کسی را می داند که دارای فکر تابناک، قلب پاک و عمل نیک باشد. از مهمترین ویژگیهای اخلاقی این عالم ربانی این موارد را می توان برشمرد:

- ۱- ایمان عمیق به مسلمات دین که در قضاوتش نسبت به دیگران هم آن را اولین شاخص قرار می داد.
- ۲- حقیگویی و جرأت ابراز عقاید در برابر دولتیان، خوانین و متنفذین مذهبی که خود شرح مفصلی دارد.
- ۳- توجه جدی به عبادات به طوری که در سربازی هم نماز جماعت خوانده و به خاطر انجام این فریضة بزرگ مورد بازخواست و تنبیه قرار گرفته است و زمانی هم که امام مسجد بوده است قبل از همه در مسجد حضور داشته است.
- ۴- همت والا و قناعت و عدم اتکا به غیر در امور اقتصادی و کار کردن حتی در سنین بالاتر از هفتاد سالگی.
- ۵- دوری و اجتناب از شهرت طلبی، «ازدهای سرد شده برف فراق را به خورشید عراق نمی برند.»
- ۶- تقرب نجستن به ارباب جاه و نعم به طوری که هرگز صدرنشینی سرسراهای خانی و همنشینی مقامات بلند پایه دولتی را برنگزیده است.
- ۷- نظم دقیق و اهمیت دادن به وقت و زمان.
- ۸- تواضع و فروتنی به طوری که ابایی از تدریس قرآن به کودکان و نوشتن کتاب برایشان نداشته است.
- ۹- دلسوزی نسبت به مخالفین و انصاف در حق آنان چنانکه حتی بدون توجه به عواقب امر به آنان تدریس می نمود و حتی دلایلی را که می توانستند علیه خودش بکار برند به آنان می آموخت و اینها همه نشانه همت والا و بلند نظری آن بزرگوار است.
- ۱۰- صبر بر مصایب و بلاهایی چون تنگدستی، تهمت شنوی و آزار، از دست دادن سه فرزند در سنین نوجوانی و جوانی و بیماری طولانی و سخت در آخر عمرش که به امید خدا «کَلِّهْ لَهْ خَیْر».

آثار و تألیفات

- در خاتمه آثار قلمی چاپ شده و چاپ نشده استاد را فهرست وار بر می شماریم:
- ۱- خطبه های مذهبی به زبان کردی به نام نامورژگاری بورزگاری،
 - ۲- عقیده دینی برای کودکان به نام عه قیده ی دینی بو

ایشان انسان کامل و ولی و مصلح حقیقی کسی را می داند که دارای فکر تابناک، قلب پاک و عمل نیک باشد.

- ۹- بیان الحق فی ارشاد الخلق به عربی درباره تصوف،
- ۱۰- وصیتنامه به ضمیمه عظمت جهان و انسان،
- ۱۱- مناسک حج مفصل (فارسی)،
- ۱۲- جزء دوم اسلام شناسی (ناتمام) به فارسی،
- ۱۳- مکاتبات با افراد مختلف،
- ۱۴- زندگینامه خودنوشت (فارسی)،
- ۱۵- مجموعه اشعار کردی،
- ۱۶- مطالبی در رابطه با منطق و فلسفه (کردی)،
- ۱۷- مقدمه ای طولانی بر کتاب الحکمة فی مخلوقات الله (فارسی)،
- ۱۸- یادداشتهای فراوان دیگر و نقد کتب که منظم نیستند.

ترجمه های چاپ نشده:

- ۱- رساله محاکمه نفس اماره ترجمه بخشی از احیاء العلوم امام غزالی با نثری هنرمندانه،
- ۲- ترجمه یک قصه خیالی از عربی به فارسی در جوانی،
- ۳- ترجمه تاریخ الادب العربی حنا الفاخوری،
- ۴- ترجمه مجازات النبویه شریف رضی،
- ۵- ترجمه التصوف فی الاسلام عمر فروخ،
- ۶- ترجمه صناعات خمس منطق از محمدرضا مظفر،
- ۷- ترجمه و اختصار کتاب اخلاق احمد امین و تاریخ اخلاق محمدیوسف موسی،
- ۸- ترجمه و اختصار القصة فی الادب الفارسی از دکتر امین عبدالمجید بدوی،
- ۹- ترجمه کتاب السعدی الشیرازی شاعر الانسانیة،
- ۱۰- ترجمه دو مقاله از دانشمندان مصری در کتاب تراث الانسانیة درباره کتاب،
- ۱۱- ترجمه کتاب الاشتقاق و التعریب از علمای طرابلس،
- ۱۲- ترجمه کتاب المعرب جو الیقی،
- ۱۳- ترجمه کتاب البیتوشی از شیخ محمدامین خال،
- ۱۴- ترجمه اعجاز القرآن باقلانی.



- ۳- احکام عادت ماهانه زنان (فارسی)،
- ۴- فرایض افخم زاده در ارث (فارسی)،
- ۵- مناسک حج (فارسی)،
- ۶- عقیده به شخص درختی یا جریان بریدن درخت و یله (فارسی)،
- ۷- چهارصد گوهر حکمت در احادیث رسول اکرم صلی الله علیه وسلم (فارسی)،
- ۸- مولودنامه مفصل (کردی)،
- ۹- مولودنامه مختصر (کردی)،
- ۱۰- رساله الاعلام و الارشاد (عربی)،
- ۱۱- ترجمه رساله الاعلام و الارشاد به نام «رساله آگاهی و بیداری»،
- ۱۲- دوره اسلام شناسی جلد اول برای نوجوانان (فارسی)،
- ۱۳- تفسیر سورة والعصر (کردی)،
- ۱۴- شرح حال امام شافعی رحمه الله به زبان فارسی که ترجمه کردی آن منتشر شده است،
- ۱۵- رساله سوگواری شرعی (فارسی)،
- ۱۶- قرآن و کامپیوتر (فارسی)،
- ۱۷- دلایل وجود خدا در نامه ای دوستانه به زبان فارسی،
- ۱۸- اعجاز علمی قرآن اقتباس از چند کتاب عربی به زبان فارسی.

- این تألیفات نمونه ای از معلومات ایشان است و گرنه شخصیت علمی و دانستیهای او بسیار وسیع تر از این آثار معرفی شده می باشد و اکثر این تألیفات چندین دهه پیش نوشته شده اند ولی چند سالی است که منتشر شده اند.

آثار چاپ نشده:

- ۱- رساله عربی حل نفر شیخ بهائی در کشکول،
- ۲- ترجمه رساله الاعلام و الارشاد به زبان کردی به نام ناگاداری و اشاره زایی،
- ۳- چند نامه فارسی در عقاید اسلامی برای والدش مرحوم افخم،
- ۴- حواشی کتابهای درس به عربی در زمان طلبگی،
- ۵- نامه ها و مقالات فارسی از ۱۳۱۸ شمسی به بعد،
- ۶- رد بر مذهب مسیحیگری،
- ۷- ۳۰ گفتار دینی به زبان کردی که در رادیو مهاباد قرائت شده اند،
- ۸- رساله تحقیقی درباره لفظ ملا و وضعیت ملاها در کردستان (فارسی)،

☑ ادلسوزی
نسبت به
مخالفین و
انصاف در حق
آنان چنانکه
حتی بدون
توجه به
عواقب امر به
آنان تدریس
می نمود و حتی
دلایلی را که
می توانستند
علیه خودش
بکار برند به
آنان می آموخت
و اینها همه
نشانه همت والا
و بلند نظری آن
بزرگوار است.